

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 3, Spring 2022, 395-411  
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.28035.1649

**Mimar Sinan Narrated by**  
***Tezkiretü'l-Bünyan and Tezkiretü'l-Ebniye***  
**A Critique on the Book**  
***Mimar Sinan Memories***

**Leila Ghaffari \***

**Jamal Arabzadeh \*\***

**Abstract**

The cultural identity of a society is influenced by many factors, including religion, customs, art, and especially architecture. Moreover, the practical aspect of architecture in human life has made it important in the formation of civilizations such as Islam. The objective appearance of this civilization in the form of valuable artistic structures is due to the knowledge and skill of prominent architects like Sinan. Therefore, to get acquainted with architects and their unique perspectives, studying of remain historical cited texts is considerable. Due to Sinan's special place in the development of Ottoman architecture, as well as Islamic architecture, exploring the texts related to him, especially what was said by Sinan, is fruitful. Regarding this article, the Persian translation of his two valuable treatises in the form of the book "*Tezkiretü'l-Bünyan and Tezkiretü'l-Ebniye: Mimar Sinan Memories*" has been reviewed. So, after presenting formic characteristics of the book, historical aspects of pre-modern architecture and architects of Islamic world, the life and works of Sinan, his Biography, his treatise's introduction and finally a comparison between them and a similar text, *Risale-yi Mimariye* are discussed;

\* PhD Student in Comparative and Analytical History of Islamic Art, Art University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), ghaffari@student.art.ac.ir

\*\* Assistant Professor, Faculty Member of Art University of Tehran, Tehran, Iran, arabzadeh@art.ac.ir

Date received: 03-11-2021, Date of acceptance: 04-04-2022



۳۹۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱

Hence this comparison will be effective in better understanding the thoughts of the architects of that time, especially Sinan.

**Keywords:** Architecture, Architect, Mimar Sinan, *Tezkiretu'l-bunyan*, *Tezkiretu'l-ebniye*.

## معمار سنان به روایت تذکرةالبنيان و تذکرةالانبیاء

### نقدی بر کتاب خاطرات معمار سنان

لیلا غفاری\*

جمال عربزاده\*\*

#### چکیده

هویت فرهنگی یک جامعه مولود عوامل متعددی چون دین، آداب و سنن، هنر، و به‌طور خاص معماری است که وجه کاربردی آن در زندگی موجب اهمیت آن در شکل‌گیری تمدن‌های باشکوهی مانند اسلام شده است. از آن‌جاکه بروز و ظهور عینی این تمدن در قالب سازه‌های هنری ارزش‌مند مرهون دانش و مهارت معمارانی برجسته هم‌چون سنان عبدالمنان است، بررسی نوشتارهای برجای‌مانده از این بزرگان با هدف آشنایی با دیدگاه‌های بی‌بدیلشان قابل‌تأمل خواهد بود. با در نظر داشتن جایگاه خاص سنان در توسعه و پیشرفت معماری عثمانی و نیز اسلامی مطالعه و کندوکاو در متون مربوط به او، به‌خصوص آن‌چه از زبان خود معمار گفته شده، راه‌گشاست. در این نگاشته برگردان فارسی دو تذکرة ارزش‌مند او در کتاب *تذکرةالبنيان و تذکرةالانبیاء: خاطرات معمار سنان* مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. پس از ارائه مشخصات فرمی کتاب و جوه تاریخی معماران و معماری دوران پیشامدرن اسلامی، زندگی‌نامه استاد سنان، معرفی دو تذکرة او و در نهایت، قیاس آن‌ها با رساله‌ای مشابه به نام *رساله معماریه* بررسی می‌شود، با توجه به این

\* دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
l.ghaffari@student.art.ac.ir

\*\* استادیار گروه نقاشی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه هنر، تهران، ایران، arabzadeh@art.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵



نکته که قیاس این متون با یکدیگر در فهم بهتر افکار و ذهنیات معماران آن دوران، و به‌خصوص سنان، مؤثر خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** معماری، معمار سنان، تذکره‌البنیان، تذکره‌الانبیه.

## ۱. مقدمه

در زمره شامخ‌ترین وجوه تمدن اسلامی و هم‌تراز با معماری غنی و باشکوه آن حضور معمارانی عالی‌قدر به چشم می‌خورد که خالق بلامنازع این جلال و جبروت در بناهای جهان اسلام بودند؛ آنان که در صدها کتیبه ادوار مختلف نامشان فقط در نقطه‌ای دور از دید، ذیل کتیبه، و در تتمه مطلب آورده شده است.

علت این امر را می‌توان در مستقل نبودن معماری، در جایگاه یک پیشه، از نظام حکومتی جست‌وجو کرد، چراکه معمار در خدمت سلطنت و دولت وقت قرار داشت و برای مدتی طولانی یا در تمامی عمر حرفه‌ای خود از ملازمان رکاب پادشاه به‌شمار می‌آمد، به‌طوری‌که همه فعالیت‌هایش به فرمان مستقیم شاه صورت می‌گرفت. بنابراین در بیش‌تر جوامع اسلامی در گذر دوران معماران حیات مستقل حرفه‌ای کمی داشتند.

بنابراین باوجود مستندات مکتوب عدیده در باب حکمرانان و پادشاهان ممالک اسلامی، به‌علت محجور واقع شدن معماران در نظام‌های حکومتی نوشتارهای باقی‌مانده درباره آثار و زندگی آن‌ها چشم‌گیر نیست؛ چنان‌که به‌زعم برخی از صاحب‌نظران این عرصه، هم‌چون گلو و نجیب اوغلو<sup>۱</sup> (Gülru Necipoğlu)، به‌جز چند رساله معدود متن دیگری در دست نیست. توجیه دیگر این‌که باوجود برخورداری مسلمانان از روحیه نویسابودن در گذشته هر معرفت شریفی مکتوب نمی‌شد و این امر به‌علت اهمیت نداشتن آن نبود، به‌خصوص اگر مانند معماری دارای حیث عملی نیز بود (گودوین ۱۳۸۸: ۲۵۵). بنابراین امروزه منابع مکتوب معماری اسلامی و به‌طور خاص زندگی و آثار معماران این حوزه در دوران پیشین به‌لحاظ کمیت قابل توجه نیست.

باین‌حال، در زمره معدود رساله‌های ارزش‌مند برجای‌مانده متون مربوط به معمار مشهور عصر طلایی عثمانی سنان عبدالمنان (Mi'mâr Sinân Âğâ) است که باوجود تکه‌تکه و مجزای بودن از یکدیگر، به‌زعم هوارد کرین<sup>۲</sup> (Howard Crane)، مشهورترین منابع موجود درباره زندگی و آثار یک معمار خاص است (افندی ۱۳۸۹: ۱۰). هرچند در دوره سنان نیز

رسالاتی پدید آمدند که در شمار منابع دست‌اول برای معرفی کارهای او منظور می‌شوند از جمله رساله بی‌نام (آدسیز رساله)<sup>۳</sup>، رساله‌المعماریه<sup>۴</sup>، و تحفة‌المعماریین<sup>۵</sup>. بعدتر دو رساله تذکره‌البنیان<sup>۶</sup> و تذکره‌الانبیه، که با متون ذکر شده تفاوت داشتند، از زبان معمار سنان و به قلم دوستش، ساعی مصطفی چلبی (Sâî Mustafa Çelebi) خلق شدند. این تذکره‌ها که بنابه درخواست معمار نوشته شده‌اند، به توصیف نحوه ساخت آثار و مسائل حادث به‌هنگام طراحی و اجرای بناها و نیز لحظات به‌یادماندنی زندگی و کار او اختصاص دارند.

اگرچه در این رساله‌ها دیدگاه‌های سنان به‌طور مستقیم بیان نشده است، امکان پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی را از جمله جایگاه معماران و به‌طور خاص معمارباشی<sup>۷</sup> در حکومت و جامعه آن زمان، شیوه معمارشدن، ارتباطات معمار و همکارانش، افراد مؤثر در پدیدآمدن آثار معماری، شیوه و مراحل طراحی و خلق آثار، و ... فراهم می‌کند. بنابراین بررسی و مطالعه متونی از این دست اطلاعات دست‌اول و موضوع‌های قابل تأملی را درباره معماری و احوالات معماران آن دوران برای محققان عرصه هنر اسلامی در بر خواهد داشت.

در این نوشتار کتاب تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه به‌لحاظ فرمی و محتوایی موردنقد و بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا، پیش‌درآمدی بر معماری و شأن و ماهیت آن در هنر و تمدن اسلامی آورده شده و در ادامه، زندگی‌نامه معمار سنان، تذکره‌های او، و مقایسه اجمالی آن‌ها با رساله معماریه آمده است. در نهایت، جمع‌بندی، پیش‌نهادها، و نیز برخی انتقادات ارائه خواهد شد.

ذکر این نکته ضروری است که مترجم محترم کتاب در مقاله‌ای با عنوان «رساله‌های تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه؛ راهی به سوی ذهنیت معمار سنان درباره معماری»، که برگرفته از رساله دکتری ایشان با عنوان «تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران» است، با رجوع به این دو متن و نیز دیگر نوشتارهای مرتبط از جمله رساله معماریه و تحفة‌المعماریین سعی در فهم ذهنیت این معمار عالی‌قدر کرده و جنبه‌هایی از آن را برای پژوهش‌گران فارسی‌زبان امروز عیان کرده است (سلطانی و ندیمی ۱۳۹۷: ۵).

## ۲. مشخصات کتاب

این کتاب، با عنوان اصلی: *Yapılar Kitabı: Tezkiretü'l-Bünyan ve Tezkiretü'l-Ebniye: Mimar Sinan'ın Anıları* نوشته ساعی مصطفی چلبی شاعر و نقاش قرن دهم هجری است که مهدی سلطانی آن را به فارسی برگردانده است و در چاپ اول به شمارگان هزار نسخه در سال ۱۳۹۶ در مؤسسه «متن» منتشر شده است.

دو رساله تذکرةالبنیان (Tezkiretü'l-Bünyan) و تذکرةالانبیاء (Tezkiretü'l-Ebniye) متون پژوهشی ارزش‌مندی درباره زندگی و آثار معمار سنان عبدالمنان<sup>۸</sup> است که در این کتاب آمده‌اند. نسخه‌های اصلی این دو نوشتار به زبان ترکی عثمانی و به خط عربی بوده که بعدها به الفبای لاتین درآمده‌اند. ترجمه براساس متن ترکی عثمانی با خط لاتین صورت گرفته و برای املای لغات به تصویرهای نسخ رساله‌ها رجوع شده است. به‌علاوه، سعی شده تا نثر مسجع<sup>۹</sup> متن حفظ شود و اعمال تغییرات تا حد امکان کم‌تر صورت پذیرد.

از آن‌جاکه این دو رساله مشتمل بر نظم و نثر است، بخش منظوم موردبازبینی و تصحیح محمدعلی معلم دامغانی، ریاست فرهنگستان هنر، قرار گرفته و عبدالحسین لاله متن را با نسخه ترکی تطبیق داده و تصحیح کرده است. ویراستار و نمایه‌ساز کتاب منصور احمدی است و صفحه‌آرایی و طراحی روی جلد با نمایی از مسجد جامع سلیمانیه<sup>۱۰</sup>، اثر معمار سنان، کاری از میثم رادمهر است. قطع کتاب رقعی است که با جلد شومیز ارائه شده است.

کتاب پیش‌گفتاری قابل تأمل به قلم مهرداد قیومی بیدهندی، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو وابسته فرهنگستان هنر، دارد که در آن شأن و ماهیت معماری در جهان اسلام و نسبت آن با نوشتار بررسی شده است (قیومی ۱۳۸۵: ۴۲). هم‌چنین، به‌علت اهمیت این دو رساله نوشتارهای دیگری نیز به قلم انتشارات بانک کوچ (Koç Bank) و دوغان کوبان<sup>۱۱</sup> (Doğan Kuban) در ابتدای کتاب آمده است. نگاهی مجمل به سرگذشت این معمار بزرگ و نیز منبع‌شناسی دو رساله یادشده در ادامه قرار دارد. سپس، متون از پی یک‌دیگر و به تفکیک آمده‌اند. هم‌چنین، در میان سطور نظم و نثر تذکرةالبنیان به اقتضای مطالب ارائه‌شده نماهایی از هر یک از آثار معماری ساخته‌شده سنان و نیز نقاشی‌هایی از پادشاهان آن دوران اضافه شده است. در پایان نیز کتاب‌نامه و نمایه‌ها قرار دارد.

به‌علت محوری بودن موضوع معماری اسلامی و به‌طور خاص حوزه امپراتوری عثمانی در این دو رساله با نگاهی بر پیش‌گفتار کتاب و معماری و جایگاه آن، به‌منزله یک پیشه در تمدن اسلامی، و شأن معماران در جهان اسلام آن روزگار بررسی می‌شود.

### ۳. معمار و معماری در عصر اسلامی پیشامدرن

در جهان اسلامی پیشامدرن مراد از معماری (architecture) حرفه‌ای برای ساخت محل زندگی انسان‌ها بود؛ پیشه‌ای کاربردی که در زمره علم قرار نمی‌گرفت. فردی که

معمار سنان به روایت تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه ... (لیلا غفاری و جمال عرب‌زاده) ۴۰۱

می‌خواست معمار (architect) شود از ابتدای کار در سطح شاگرد وارد می‌شد و به تدریج، برحسب توانایی و قابلیت خود، پیشرفت می‌کرد تا به مدارج بالاتر دست می‌یافت.

در مملکت عثمانی بالاترین مرتبه در مشاغل این حوزه سرمعمار یا سرمعمار خاصه بود که رئیس معماران کشور و برترین و تواناترین آن‌ها محسوب می‌شد. او بر کار دیگر معماران و نیز پروژه‌های عمومی و حکومتی نظارت می‌کرد، به طوری که این سمت به مراتب سیاسی‌تر از دیگر کشورهای اسلامی، از جمله ایران، بود. با این حال، معماران مسلمان آن دوران نه در مرتبه درباریان و سیاست‌مداران و نه در گروه عالمان قرار داشتند، بلکه فقط اهل فن به‌شمار می‌آمدند (کوستوف ۱۳۸۱: ۱۱۶-۱۲۲).

در ایران عصر صفوی نیز سمت‌هایی چون «سرکار عمارت»، به معنای کسی که عهده‌دار مدیریت و نظارت چند پروژه دولتی بود، و «مشرف»، که فقط مدیریت مالی و تدارکاتی اجرا را متقبل می‌شد، وجود داشت. چنان‌که در کتیبه سردر مسجد اصفهان نام محب‌علی بیگ‌الله (بیگ‌الله) با عنوان «مشرف» آمده است. بنابر گزارش اسکندربیک ترکمان او «سرکار عمارات خاصه شریفه اصفهان» بود و به تعبیری مدیر پروژه‌های ساختمانی دربار در پایتخت محسوب می‌شد (چلبی ۱۳۹۶: ۱۲).

هم‌چنین، در این کتاب هم اشاره شده است که سرمعمار یا معمارباشی کشور عثمانی امور آب پایتخت، یعنی شهر استانبول، را نیز برعهده داشت. او در جایگاه بالاترین مقام مهندسی کشور «سوناطری» یا ناظر آب هم به‌شمار می‌آمد. بنابراین معماری اسلامی این دوران پیشه یا حرفه‌ای کل‌نگر و شخص معمار، هم‌چون سنان، مهندسی کارآزموده بود. همان‌طور که کوبان نیز در پیش‌گفتارش بر چاپ جدید تذکره‌البنیان به اهمیت مدیریت منابع آبی اشاره کرده و طولانی‌ترین بخش این اثر را در باب نحوه آوردن آب به استانبول معرفی کرده است (همان: ۳۳).

برای تبحر در معماری ضروری بود که فرد در دیگر حرفه‌های مرتبط با ساخت بنا، هم‌چون نجاری، حجاری، کاشی‌کاری، و شناخت مواد مانند چوب و سنگ نیز تعلیم دیده باشد. در واقع، فراگیری معماری با آموزش نجاری آغاز می‌شد و معمار به مقام استادی نمی‌رسید مگر آن‌که نجاری قابل باشد. به علاوه، هنرهای وابسته به کتابت مانند خوش‌نویسی، تذهیب، تشعیر، و نگارگری با وجود استقلال از معماری، با آن تعاملی فعال داشتند. چنان‌که از همان قرن‌های ابتدایی اسلام خوش‌نویسی و به‌طور خاص اقلام سته<sup>۱۲</sup>،

یکی از شاخصه‌های بنا شد و این امر درباره هنرهای تذهیب و نگارگری نیز صادق بود (نجیب‌اوغلو ۱۳۷۹: ۲۸۷-۲۹۱).

از حیث دینی هم بر مبنای فرهنگ پیشامدرن در جهان اسلام «هستی» (existence) و معماری با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ داشتند. بنابراین، اثر معماریانه<sup>۱۳</sup> مصنوع و مجزا از خلقت نبود و بخشی از آن به‌شمار می‌آمد؛ همان‌طور که در این دوران اتصال با «معمار جهان» و وجود منشأیی مقدس برای انواع حرفه‌ها، از جمله معماری، محوری بود (ندیمی ۱۳۷۴: ۴۴۸-۴۷۴). در نتیجه، ساخت بناهای زیبا و درخور توجه، با هدف تشبیه به خداوند، در مقام خالق جمال و زیبایی، و نیز جلب رضایت خلق او در وهله بعد رویکرد هنرمندان معمار آن عصر بود.

درواقع، این روحیه اخلاق‌مدارانه در معماران، که به‌شکلی کلی‌تر در نظام صنفی جوامع شهری استوار بود، به تدریج با حلقه‌های صوفیه مرتبط شد. چنان‌که سبب پیدایش حلقه‌های صوفیانه صنفی، با عنوان‌های «فتیان»، «جوان‌مردان»، یا «اهل فتوت» شد (همان). بر پایه همین نگرش، نظام آموزش معماری در چهارچوب استاد-شاگردی تعریف می‌شد. استاد، که پدر معنوی شاگردان به‌شمار می‌آمد، نظارتی ماورای آموزش فنی بر تمامی امور زندگی آن‌ها داشت، به‌طوری‌که آموزش و روابط استاد-شاگردی با زیست معماران عجین بود و آن‌ها حین فراگیری معماری کار حرفه‌ای نیز انجام می‌دادند.<sup>۱۴</sup>

به نظر می‌رسد که شیوه خاص آموزش و کار حرفه‌ای معماران در اعصار پیشین به شکل‌گیری افق‌های فکری و دیدگاه‌هایی درخور تأمل منجر شده است، از آن سنخ که در آثار سنان نیز مشهود است. همان‌طور که به تعبیر مؤلف کتاب استادانی چون او در «عالم معماری» دیگری به‌سر می‌برده‌اند. در بخش‌هایی از این دو رساله دغدغه استاد معمار درباره این‌که آیندگان چه‌طور آثار و کارهایش را قضاوت می‌کنند مشخص است. چنان‌که از او نقل شده است: «امیدوارم که تا آخرالزمان و قیامت دوستان دل‌پاکی که منصفانه به آثارم چشم می‌دوزند، با مشاهده غیرت و جدیت کارهایم دعای خیر خویش را از من دریغ مدارند، ان‌شالله» (چلبی ۱۳۹۶: ۲۷-۱۲۰).

حال، با داشتن این پیش‌زمینه مختصر درباره معماری و جایگاه ویژه معمار در جهان اسلام و به‌طور خاص حکومت عثمانی، گاه آن رسیده است که احوالات استاد سنان و دو تذکره‌مورد بحث، به‌مثابه معدود منابع ذی‌قیمت برجای‌مانده از آن روزگار، بررسی شود.



#### ۴. سنان بن عبدالمنان که بود؟

استاد سنان، مشهورترین معمار امپراتوری عثمانی، در سال ۸۹۵ق/ ۱۴۸۹م در کایسری (قیصریه) روستای آغیرناس چشم به جهان گشود. او به مدت پنجاه سال در دوران حکومت سلیمان قانونی، سلطان سلیم دوم، و سلطان مراد سوم سمت معمارباشی دربار را عهده‌دار بود. بنابراین، تمامی امور مرتبط با اداره شهر، از جمله فاضلاب‌ها، آتش‌نشانی، و تعمیر ابنیه تاریخی و نیز طراحی و نظارت بر ساخت عمارت‌های مهم در سراسر کشور در زمره مسئولیت‌های او محسوب می‌شد (گودوین ۱۳۸۸: ۲۵۱).

در دوره سلطان سلیم اول (یاوز) سنان کار خود را در جایگاه سرباز آغاز کرد. سپس، به‌سبب آموزش‌دهنده سربازان رسید و به‌تدریج با انجام برخی امور ساختمانی فرصت آشنایی با معماران بزرگ آن روزگار را پیدا کرد. در دوران سلطان سلیمان قانونی به‌واسطه همراهی سپاهیان عثمانی در جنگ‌ها و نیز انجام امور عمرانی‌ای هم‌چون ساخت سه کشتی برای دریایچه وان<sup>۱۵</sup> و پلی روی یک رودخانه در مولداوی<sup>۱۶</sup> مورد توجه قرار گرفت. در نهایت، بعد از درگذشت «علی عجم»<sup>۱۷</sup>، معمارباشی آن دوران، مسند او را عهده‌دار شد.

به‌نقل از تذکره‌البنیان اولین اثر سنان در این سمت مقبره ایاز پاشا، وزیر اعظم سلطان سلیمان، است که پشت مسجد جامع ایوب در شهر استانبول قرار دارد.<sup>۱۸</sup> هم‌چنین، در شمار آثار برجسته او جامع شهزاده<sup>۱۹</sup>، سلیمانیه، و سلیمیه<sup>۲۰</sup> است که در این تذکره فرایند ساخت آن‌ها به تفصیل آمده است.

درباره بنای جامع سلیمانیه این نظر وجود دارد که سنان وجوه قابل ملاحظه‌ای از معماری رنسانس را به‌کار بسته است تا جایگاه خود را به‌منزله هنرمندی برخاسته از قرون وسطی تثبیت کند (همان: ۲۷۷). به‌علاوه، از توصیف‌هایی که سیاحان قرن هفدهم مانند اولیا چلبی (Evlîya Çelebi) درباره این مسجد جامع نوشته‌اند این‌گونه برمی‌آید که مسجدهای ساخت سنان شاه‌کار هندسه بودند؛ چراکه به‌باور او در اروپا چنین بنایی، که در آن علم هندسه به‌غایت کمال یافته باشد، نبوده است.

در مجموع، بیش از ۳۵۰ بنا به معمار سنان منسوب شده است که مشتمل بر ۸۴ مسجد جامع، ۵۲ مسجد، ۵۷ مدرسه، هفت دارالقرآن<sup>۲۱</sup>، ۲۲ مقبره، هفده عمارت، سه دارالشفاء، هفت سد، هشت پل، بیست کاروان‌سرا، ۳۵ کوشک و سرای، شش انبار و مخزن، و ۴۸ حمام است (چلبی ۱۳۹۶: ۲۹-۳۰).

آثار سنان را می‌توان نقطه اوج دوره کلاسیک دانست. به تعبیری دقیق‌تر، او در پایان این عصر ظهور کرد و هم‌چون میکل آنژ (Michelangelo Buonarroti)، که عهد رنسانس را به لرزه درآورد، بنیادهای زمان خود را متحول کرد. عامل انفصال او از هم‌تایان ایتالیایی‌اش هم‌چون آلبرتی (Leon Battista Alberti) علاقه‌مندی‌اش به حجم در قیاس با شکل بود؛ چنان‌که به‌واسطه گرایش به ساده‌گرایی بنا در مقابل تزئینات بیش از آن‌که در پی تأثیرگذاری باشد، در معرض دید آوردن مادیت جسم را مدنظر داشت (گودوین ۱۳۸۸: ۲۵۱-۲۷۸). او، در جایگاه استاد دوره طلایی عثمانی، نهایت عظمت و شکوه را به هنر و معماری کشور خود و نیز جهان اسلام عرضه داشت. در پایان نیز با داعیهٔ ابدیت در سال ۹۹۷ق/ ۱۵۸۸م در صدسالگی بر اثر حادثه‌ای در محل کارش درگذشت.<sup>۲۲</sup>

## ۵. در باب تذکرة‌البنیان و تذکرة‌الابنیه

در این دو رساله به‌طور مستقیم قواعد تخصصی معماری در آن عصر توصیف نشده است، اما به‌واسطه ذکر جزئیات خواننده را به‌طور تلویحی به‌سوی دیدگاه‌های بدیع سنان دربارهٔ این موضوع‌ها سوق می‌دهند. به‌سختی می‌توان پذیرفت که در پس شرح و بسط مفصل در تذکرة‌البنیان نظریات معماری نهفته نباشد، چراکه در این متن بناهای ساخته‌شده هم‌راه با رخدادها و حوادث زمان ساخت هر یک توصیف شده است؛ از جمله تصمیم‌ها و فرمان‌های سلطان، خدعه‌ها و توطئه‌های درباریان، دشواری‌ها و مشقات اجرایی، و هم‌چنین نحوه افتتاح و مراسم بازگشایی بناها. به‌زعم مؤلف کتاب و به‌نقل از سنان در تذکرة‌البنیان، فتح‌الباب جامع سلیمانیه به‌دستور پادشاه به‌معمار محول شد، زیرا لایق‌ترین فرد برای انجام این مهم به‌شمار می‌آمد (چلبی ۱۳۹۶: ۹۲).

ساختار رسالهٔ دوم، تذکرة‌الابنیه، به‌گونه‌ای دیگر است، چراکه الگوی آن تحفة‌المعمارین، از جمله منابع دست‌اول سنان، که پیش‌تر درباره‌اش توضیح داده شد، بوده است. در این متن پس از فتح‌البابی مجمل فهرست آثار استاد معمار در سیزده باب براساس کاربری بناها دسته‌بندی شده و اسامی آن‌ها به‌هم‌راه محل هر یک آمده است؛ البته در تذکرة‌البنیان فهرست بناها نیامده است، اما تاریخ ساخت و خصوصیات آن‌ها به‌تفصیل آورده شده است.

درنهایت، دو رسالهٔ یادشده با این‌که برخی تشابه‌ها در مقدمه و ابیات منظوم‌شان دارند، از حیث ساختاری با یک‌دیگر متفاوت‌اند، اما از آن‌جاکه مشتمل بر اطلاعاتی مرتبط و پیوسته

درباره آثار و احوالات یک معمار در عصری خاص است، می‌تواند مکمل یک‌دیگر واقع شوند و در کنار هم اثری کامل را ارائه کنند؛ چنان‌که در حدود قرن هجدهم به صورت متنی واحد درآمد<sup>۲۳</sup> و در کتاب حاضر نیز در یک مجلد انتشار یافته‌اند.

## ۶. مناقب معمار سنان در مقام قیاس

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، موثوق‌ترین رساله‌ها درباره معمار سنان و مناقب او تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه است. با این‌که معمار چندین بار تلاش کرد و دست به قلم برد تا شرح حالی درباره خویش بنویسد، اما نتوانست این متون را به اتمام رساند؛ بنابراین انجام این مهم را به ساعی مصطفی چلبی، دوست شاعر و نقاش خود، محول کرد.

نوشتن شرح حال سنان به دست ساعی می‌تواند از جهاتی مورد تأمل واقع شود؛ از جمله این‌که این رساله‌ها از زبان استاد معمار روایت می‌شوند؛ شیوه‌ای که در آن دوران غیر معمول نبود و بسیاری از دولت‌مردان از آن بهره برده‌اند. پس، احتمالاً از سر فروتنی در وصف خود کلامی به میان نیاورده، چنان‌که به قلم ساعی نیز جاری نشده است. در حالی که در این متون مدح و ثنای پادشاه و به‌طور خاص سلطان سلیمان قانونی مشهود است.

گویی مقام سنان، همان جایگاه ناپیدا در تتمه کتیبه‌ها و حضور نویسنده و معمار در اثر، به علت جلال و شکوه همایونی کم‌رنگ شده و در سایه قرار گرفته است. این امر زمانی بیش‌تر خودنمایی می‌کند که این دو تذکره با نمونه‌ای دیگر از این دست، یعنی رساله معماریه اثر جعفر افندی (Cafer Efendi)، مقایسه شود، چراکه تقریباً شش فصل از این نوشتار به شرح حال معمار محمد<sup>۲۴</sup> و آثار او از زبان نویسنده با محوریت هنرمند اختصاص دارد.

رساله معماریه به لحاظ زمانی تقریباً یک قرن مؤخرتر از تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه است،<sup>۲۵</sup> حال آن‌که طی این قرن در سراسر جهان و نیز عالم اسلام جایگاه هنرمند به لحاظ نقش او در آفرینش اثر هنری غنا یافته و به‌طور کلی، دیدگاه‌های انسان‌محورانه (humanist) به علت روی‌دادهایی چون رنسانس و ظهور عصر روشن‌گری تقویت شده بود. چنان‌که این مسئله در متن اثر افندی نیز در قالب تحسین و تمجید مقام شامخ یک معمار از سوی همکارش در دوران بعد و توصیف شأن و مناقب او تجلی یافته است.

از سویی، افندی که معمار است، نگاهی تخصصی‌تر به مقولات مرتبط با ساخت بناها و معماری دارد؛ چنان‌که رساله معماریه واژه‌نامه‌ای فنی دارد که افندی در آن قواعد مرسوم

معماری را در آن روزگار شرح داده است. به علاوه، فصل کاملی درباره هندسه دارد که اساس مشترک معماری و برخی از حرفه‌های دیگر از جمله صدف‌کاری و موسیقی است که معمار محمد نیز در زمان شاگردی خود در کارگاه‌های کاخ توقاپی آن‌ها را فراگرفته است. تقسیم‌بندی فصل‌ها براساس علوم می‌تواند حاکی از روند تخصصی‌شدن دانش و هنر و نیز اهمیت یافتن منطق علمی در عرصه‌های مختلف از جمله معماری باشد. بنابراین، کاربرد طبقه‌بندی در متون فنی به‌خوبی در رساله معماریه مورد توجه قرار گرفته است. این اثر شامل دسته‌بندی فصل‌ها براساس محتوا، توضیحی درباره هر فصل، و فهرست قصاید و غزلیات به‌طور جداگانه در ابتدای کتاب است (افندی ۱۳۸۹: ۳۷-۴۰) که نشان‌دهنده انتظام فکری افندی در جایگاه یک معمار قرن یازدهم هجری است؛ در حالی که به‌هنگام مواجهه با آثار مرتبط با سنان، و به‌طور خاص تذکرةالنبیان، این موضوع کم‌تر به چشم می‌آید.

تذکره‌های یادشده، در مقام قیاس با آثاری چون رساله معماریه، به لحاظ نوع متن و محتوا بیش از آن که تخصصی و فنی باشند، تاریخی-ادبی به نظر می‌رسند؛ چنان‌که در آغاز کتاب و در پیش‌گفتار کویان به نوشته‌شدن تذکرةالنبیان به زبانی غیرحرفه‌ای و قرین‌کردن جزئیات ساختاری با مشاهدات عینی به دست چلبی با ذکر مثال اشاره شده است.

در تأیید این مدعا می‌توان به کاربرد تمثیل‌هایی چون «مور ناتوان» با اشاره به داستان حضرت سلیمان و مور، سرگذشت «فرهاد کوه‌کن» از منظومه خسرو و شیرین نظامی و چند هزار «دیو سلیمانی» به‌کنایه از ساخت بناهای عظیم به دست اجنه تحت فرمان حضرت سلیمان در نظم و نثر تذکرةالنبیان اشاره کرد؛ همان‌طور که این امر در بخش منظوم تذکرةالانبیه با ارجاع‌هایی به آیات قرآن و نیز برخی احادیث مشهود است (چلبی ۱۳۹۶: ۶۷، ۷۲، ۷۸، ۱۱۵، ۱۱۹).

## ۷. نتیجه‌گیری

ارتباط تنگاتنگ هنر با عرصه تمدن و فرهنگ جوامع انسانی از یک‌سو، و اهمیت حوزه معماری به‌منزله شاخه‌ای از هنر کاربردی با وجه عملی در ایجاد تمدن‌ها و شهرها و به‌طور خاص مکان زندگی انسان‌ها از سوی دیگر، مطالعه و بررسی درباره معماری تمدن‌های برجسته‌ای هم‌چون اسلام را ضروری می‌کند. در این باره، وجود متون و منابع قابل استناد گذشتگان مغتنم است و تسهیل پژوهش‌های تاریخی آتی را در پی خواهد داشت.

چنان‌که پیش‌تر نیز آورده شد، درباره معماری اسلامی و احوالات معماران ادوار قبل منابع نوشتاری چندانی در دست نیست. بنابراین، تمرکز بر معدود آثار باقی‌مانده در این حوزه، مانند *تذکره‌البنیان* و *تذکره‌الانبیاء*، یا متون تخصصی‌تر و مؤخرتری هم‌چون *رساله معماریه* قابل‌توجه خواهد بود، چراکه از لحاظ استناد تاریخی در حد کفایت موثق است و در حکم منابع دست‌اول آن دوران حاوی اطلاعاتی ارزش‌مند برای مطالعات امروزی است. برخورداری کتاب حاضر از پیش‌گفتارهای متعدد، که از نظر دیدگاه‌ها و اولویت‌ها متمایزند، ورود خواننده را به متون اصلی تسهیل می‌کند. علاوه‌براین وجود ارجاع‌های مناسب به منابع معتبر و نیز پانویس‌های جامع و مرتبط با مباحث مطرح‌شده در استنباط عمیق‌تر این رساله‌ها مفید خواهد بود. پس، برعهده پژوهش‌گران عرصه تاریخ هنر و معماری اسلامی است که در این متون باارزش، به‌منزله گنجینه‌های گران‌بهای عظمت و شکوه هنر و تمدن دوران پیشین، غور کنند و به فهم و درک رویکردها و دیدگاه‌هایشان همت گمارند.

در این جا شایسته است تا به کوشش مترجم محترم، که با نهایت دقت در برگرداندن متن به زبان فارسی موجبات آشنایی خوانندگان را با این رساله‌های ذی‌قیمت فراهم کرده‌اند، اشاره شود. البته مواردی نیز وجود دارند که محل تأمل است و رفع آن‌ها در صورت امکان ارتقای سطح کیفی و تخصصی کتاب را در چاپ‌های بعدی به‌دنبال خواهد داشت.

برخی از صفحه‌های کتاب باید دوباره ویرایش شود؛ چنان‌که نام رساله‌ای درباره سنان، که در شمار منابع دست‌اول اوست، به دو شکل متفاوت *تحفة المعماریین* و *تحفة المعماریه* به‌کار رفته است. این امر می‌تواند موجب بروز ابهام در ذهن خواننده شود. هم‌چنین، در برخی پانویس‌ها اشتباه‌های چاپی از جمله جابه‌جایی شماره و محتوا به‌چشم می‌خورد. گاهی نیز منابعی آورده شده است که در کتاب‌نامه انتهایی نیست، بنابراین به‌علت ارتباط تنگاتنگ با مفاهیم ارائه‌شده در خلال دو رساله توصیه می‌شود که این موارد در پایان کتاب تکمیل شوند تا امکان رجوع مستقیم به این منابع فراهم شود.

دیگر این‌که مشابهت اسمی میان *رساله معماریه* و *المعماریه*، که در متن آمده است، می‌تواند به سرگردانی خواننده درباره منابع مرتبط با کتاب منجر شود. چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، رساله اول را جعفر افندی، از معماران اوایل قرن یازدهم هجری، در مناقب محمد بن عبدالمعین، معمار عالی‌قدر آناتولی در دوران عثمانی و از جمله شاگردان سنان، به رشته

تحریر درآورده است (افندی ۱۳۸۹: ۵)، درحالی‌که دومین منبع یکی از منابع دست‌اول دربارهٔ معمار سنان، در زمان او، ولی به‌طور ناتمام پدید آمده و ملول مریچ (Rıfki Melûl Meriç) آن را منتشر کرده است. شایسته است که در چاپ‌های بعدی در این باره توضیحی ارائه شود یا مانند آن‌چه در این نگاشته آورده شده، اسامی این دو رساله به‌تفکیک داخل گیومه قرار گیرند تا از هرگونه ابهام اجتناب شود.

درنهایت، دربارهٔ تصویرهای کتاب مواردی وجود دارد که به‌علت کوچک‌بودن اندازهٔ تصویر عظمت و شکوه بنای موردبحث برای اغلب خوانندگان روشن نیست، ازجمله نماهای ارائه‌شده از مسجد جامع شهزاده. بنابراین، با توجه به اهمیت بنا و به‌منظور درک بصری عمیق‌تر مخاطبان اثر بهتر است تا همانند نماهای مسجد جامع سلیمانیه، در دیگر موارد نیز از تصویرهایی در اندازه‌های بزرگ‌تر و نیز زاویه‌های برجسته‌تر بناها استفاده شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. او اهل ترکیه و متولد ۱۹۵۶، شاگرد اولگ گرابار (Oleg Grabar)، و استاد هنر اسلامی در دانشگاه هاروارد است. هم‌چنین، زمینهٔ تخصصی او مطالعات هنر و معماری عثمانی است.
۲. پروفیسور کرین استاد تاریخ دانشگاه اوهایو و دارای تخصص در زمینهٔ هنر و معماری اسلامی است. او مقاله‌های متعددی نیز در دایرةالمعارف اسلامی دارد. او به سال ۱۹۸۴ رسالهٔ معماریه اثر جعفر افندی را به انگلیسی برگردانده است، چنان‌که مقدمه‌ای نیز از او در آغاز برگردان فارسی این متن آمده است.
۳. در آرشیو توپقاپی سرای به شمارهٔ D. 1461/3 نگه داشته می‌شود و ملول مریچ آن را منتشر کرده است و اولین شرح‌حالی است که سنان برای نوشتن آن نیت کرد، هرچند به اتمامش نرساند.
۴. در آرشیو توپقاپی سرای به شمارهٔ D. 146/4'te (y. 1b-5a) نگه داشته می‌شود و در مقایسه با رسالهٔ بی‌نام دربارهٔ زندگی سنان است که کامل نیست، شرح‌حال مفصل‌تری است. این اثر را نیز مریچ منتشر کرده است.
۵. این اثر به‌همراه دو کتاب یادشده در آرشیو توپقاپی سرای به شمارهٔ D. 1461/4, y. 6b-27b در یک جلد است که مریچ منتشر کرده است.
۶. در تهیهٔ تذکره‌النبیان نسخهٔ مجموعهٔ حاجی محمود افندی محفوظ در کتاب‌خانهٔ سلیمانیه به شمارهٔ ۴۹۱۱ نسخهٔ اصلی در نظر گرفته شده است. این متن با این‌که تاریخ مشخص ندارد، به‌علت داشتن حاشیه‌نویسی‌ها و بی‌نظمی در صفحه‌ها و سطرها به‌احتمال زیاد نسخهٔ مؤلف است.

## معمار سنان به روایت تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیاء ... (لیلا غفاری و جمال عرب‌زاده) ۴۰۹

۷. جایگاه و مرتبه معمار در حکومت عثمانی متمایز از بیش‌تر جوامع سنتی اسلامی بوده است. بناهای مجلل با حمایت «خاصه معمارلری اجاغی» یا هیئت معماران دربار ساخته می‌شدند، که ریاست آن را استادی معمار با عنوان «خاصه معمارباشی» یا «سرمعمار» دربار برعهده داشت. او کارکنانی داشت که هر یک از معماران و کارگران ماهر به‌شمار می‌رفتند (افندی ۱۳۸۹: ۹).
۸. نام او را (Hristo) و عبدالله نیز گفته‌اند (گودوین ۱۳۸۸: ۳۸۹). در دوران حکومت عثمانی مرسوم بود آنان که مسلمان می‌شدند عنوان‌هایی چون عبدالله، عبدالرحمان، و عبدالمنان به‌جای نام پدر برایشان به‌کار رود؛ چنان‌که در قسمت متثور رساله تذکره‌البنیان از سنان به این عبدالمنان یاد شده است.
۹. در توضیح معنای مسجع در فرهنگ عمید آمده است: سخن با سجع و قافیه (عمید ۱۳۶۳: ذیل «مسجع»). بنابراین می‌توان گفت که نثر مسجع نثری آهنگین و شعرگونه است. هم‌چنین، باوجود داشتن وزن از موسیقی قافیه و زیبایی‌های ترفندهای ادبی و ظرایف بلاغی همانند شعر برخوردار است.
۱۰. این بنا به دستور سلطان سلیمان قانونی و به‌دست معمار سنان برپا شد. تاریخ شروع آن را ۱۵۵۰ میلادی آورده‌اند.
۱۱. او تاریخ‌نگار معماری ترک معاصر است که در پاریس متولد شده و از جمله آثار او معماری عثمانی است.
۱۲. این اقلام شش‌گانه عبارت‌اند از: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع، و رقاع که محمد بن علی فارسی مشهور به «ابن‌مقله»، وزیر مشهور، به‌منظور تکمیل و تدوین اسلوب‌های خوش‌نویسی حروف عربی آن‌ها را پدید آورده است (اتینگهاوزن و گرابار ۱۳۹۶: ۳۲۱).
۱۳. منسوب به معماری، برای متمایز کردن معمارانه یا آنچه به معمار منتسب می‌شود از معماریانه که منسوب به معماری است.
۱۴. این درحالی است که برنامه مدرن آموزش معماری در قرن‌های اخیر بر مبنای دو روش مدرسه بوزار (Ecole des Beaux-Arts) در فرانسه و مدرسه باوهاوس (Bauhaus) در آلمان مطرح شده است (ندیمی ۱۳۷۵: ۱۳-۴۵) و تأثیرات این دو مکتب نیز به‌طور چشم‌گیری تا حال حاضر در تعلیم معماری مشاهده می‌شود.
۱۵. معروف به دریاچه تاتوان در نزدیکی قلعه وان.
۱۶. در آن زمان به «قرا بغداد» مشهور بود و در متن تذکره‌البنیان نیز «قرا بغداد» آمده است.
۱۷. او اهل آذربایجان بود و نام واقعی‌اش عبدالکریم بن علاالدین علی آقا بود. به همین علت به علی عجم مشهور شد. درگذشت او، به‌استناد تذکره‌البنیان، نزدیک به مرگ ایاز پاشا، وزیر اعظم آن روزگار، به سال ۹۴۴ق/ ۱۵۳۹م است (چلبی ۱۳۹۶: ۶۰).

۱۸. تصور بر این است که این مقبره نخستین اثر او به‌شمار می‌آید، درحالی‌که نام آن در فهرست تربت‌های طراحی‌شده سنان درباب پنجم تذکره‌الانبیه نیامده است (همان).
۱۹. این مسجد در شهر استانبول برای بزرگ‌داشت شاهزاده محمد، دومین پسر سلطان سلیمان قانونی، که در ۲۳سالگی در مانیه درگذشت، به‌دست معمار سنان در مقابل پادگان «اسکی اودالار»، محل دفن شاهزاده، بنا شده است.
۲۰. این مسجدجامع در ادرنه و به فرمان سلطان سلیم دوم و به‌دست سنان برپا شده است. معمار در تذکره‌البنیان هدف خود را از ساخت این جامع رقابت با غیرمسلمانان، یا به‌زعم او کفار، در بناکردن مسجدی با گنبدی بزرگ‌تر از ایاصوفیه عنوان کرده است. ارتفاع مرکز گنبد سلیمیه تا دایره مقطع ۲۰-۳۰ سانتی‌متر مضاف بر ایاصوفیه است، اما ارتفاع گنبد از زمین تا مرکز آن در ایاصوفیه بیش‌تر است، به‌طوری‌که ارتفاع ایاصوفیه ۵۵/۶۰ متر و سلیمیه ۴۲/۲۵ متر گزارش شده است (همان: ۱۰۵).
۲۱. به‌معنای مدرسه قاریان قرآن است.
۲۲. کتیبه روی بقعه سنان، که نوشته چلبی است، سال مرگ او را ۹۹۷ق/ ۱۵۸۸م در صدسالگی رقم زده است (گودوین ۱۳۸۸: ۶۸۸).
۲۳. برای اطلاعات بیش‌تر، بنگرید به چلبی ۱۳۹۶: ۳۸.
۲۴. محمد آقا معمار دربار عثمانی بود که مجموعه سلطان احمد در شهر استانبول ازجمله آثار اوست. رساله معماریه به‌قلم جعفر افندی، که درمورد زندگی و آثار اوست، پس از متون مربوط به سنان، تنها نوشته مدون درباب زندگی‌نامه یکی از معماران دربار عثمانی است (افندی ۱۳۸۹: ۱۱).
۲۵. تذکره‌های سنان در قرن نهم هجری و رساله معماریه در قرن یازدهم به‌نگارش درآمده‌اند.

## کتاب‌نامه

- اتینگهاوزن، ریچارد و اولگ گرابار (۱۳۹۶)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، ج ۱، تهران: سمت.
- افندی، جعفر (۱۳۸۹)، رساله معماریه، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: متن.
- چلبی، ساعی مصطفی (۱۳۹۶)، تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه، ترجمه مهدی سلطانی، تهران: متن.
- سلطانی، مهدی و هادی ندیمی (۱۳۹۷)، «رساله‌های تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه؛ راهی به‌سوی ذهنیت معمار سنان درباره معماری»، فصل‌نامه معماری و شهرسازی، س ۲۸، ش ۸۲.
- عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.



معمار سنان به روایت تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیاء ... (لیلا غفاری و جمال عرب‌زاده) ۴۱۱

- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۵)، «آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه»، نشریه صفحه، ش ۴۲.
- کوستوف، اسپرو (۱۳۸۱)، «معماران سده‌های میانه در شرق و غرب (۱)»، ترجمه فرزانه طاهری، فصل‌نامه خیال، ش ۶.
- گودوین، گادفری (۱۳۸۸)، تاریخ معماری عثمانی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: متن.
- نجیب‌اوغلو، گل‌رو (۱۳۷۹)، هندسه و تزئین در معماری اسلامی (طومار تویق‌پای)، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: روزنه.
- ندیمی، حمید (۱۳۷۵)، «آموزش معماری، دیروز و امروز»، فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۱۳-۱۴.
- ندیمی، هادی (۱۳۷۴)، «آیین جوان‌مردی و طریقت معماران (سیری در فتوت‌نامه‌های معماران و بنایان)»، ج ۲، در: مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران.

